

(دعوا الأمر حتى يأتي وقته) ..

امر را رها کنيد تا زمانش فرا رسد

أختم هذه المحطة مع العبد الصالح (عليه السلام) بنصيحة له، كانت قد جاءت بعد أن سألته عن روايتين، وهما وإن كانتا لم يحن وقتها زمن السؤال إلا أنني أذكر ذلك لأجل ما جاء في كلامه روي فداه.

این ایستگاه را با اندرزی از عبد صالح (علیه السلام) که ایشان در پاسخ به سؤال من از دو روایت بیان فرمودند، به پایان می‌برم. اگر چه زمان سؤال از آن دو روایت هنوز فرا نرسیده است ولی من این مطلب را به دلیل آن که در کلام ایشان (که جانم فدایش باد) آمده، متذکر می‌شوم.

سألته فقلت: هناك روايتان؛ الأولى: عن محمد بن مسلم، قال سألت أبا جعفر (عليه السلام) .. **(والنهار إذا تجلى)**، قال (عليه السلام): **(النهار هو القائم منا أهل البيت عليهم السلام)**، إذا قام غلب دولة الباطل، والقرآن ضرب فيه الأمثال للناس، وخاطب نبيه (صلى الله عليه وآله وسلم) به ونحن فليس يعلمه غيرنا⁽¹⁾.

از ایشان سؤال کردم: دو روایت وجود دارد؛ روایت اول: محمد بن مسلم می‌گوید از ابو جعفر امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی «(قسم به روز هنگامی که آشکار شود)» پرسیدم. حضرت فرمود: **روز، همان قائم از ما خاندان (علیهم السلام) می‌باشد، هنگامی که قیام کند بر دولت باطل غلبه می‌کند. قرآن در این خصوص مثال‌هایی برای مردم زده و خداوند، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و ما را به آن خطاب نموده است، که هیچ کس غیر از ما آن را نمی‌داند^۲.**

والأخرى: عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: **(قوله تعالى: (والفجر) هو القائم والليالي العشر) الأئمة (عليهم السلام) من الحسن إلى الحسن، و(الشفع) أمير المؤمنين**

¹. بحار الأنوار: ج 24 ص 71 - 72.

^۲ - النهار هو القائم منا أهل البيت ، إذا قام غلب دولة الباطل. والقرآن ضرب فيه الأمثال للناس، وخاطب الله نبيه به ونحن ، فليس يعلمه غيرنا. بحار الأنوار: جلد 24 صفحه 71 و 72.

وفاطمة عليهما السلام و(الوتر) هو الله وحده لا شريك له، (والليل إذا يسر) هي دولة حبر، فهي تسري إلى قيام القائم (عليه السلام) (3).

و روایت دیگر: ابو عبدالله امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمود: در سخن خدای متعال، مراد از «فجر» قائم است، و «لیالی عشر» امامان از حسن مجتبی (عليه السلام) با حسن عسکری (عليه السلام) می‌باشند، «شفع» امیر المؤمنین و فاطمه (علیهما السلام)، «وتر» خدای یگانه و بی‌شریک است، منظور از «و اللیل إذا یسر» دولت حبر^۴ است که تا قیام قائم (عليه السلام) ادامه می‌یابد.^۵

هل الأولى في المهدي الأول (عليه السلام)، والثانية في الإمام المهدي (عليه السلام) ؟

آیا روایت اول در حق مهدی اول (عليه السلام) و روایت دوم مربوط به امام مهدی (عليه السلام) است؟

فأجابني (عليه السلام): (دع هذه يرحمك الله، أنتم تقسمون الآن فدعوا الأمر حتى يأتي وقته، اقترب الطوفان ولم يبق الكثير، أنت إذا كنت تريد شيئاً فليدك الروايات، وأيضاً لديك المتشابهات).

ایشان (عليه السلام) در پاسخ فرمود: «این مطلب را رها کن - خداوند تو را رحمت کند - شما الآن بخش‌بندی می‌کنید؛ این امر را رها کنید تا زمانش فرا رسد. طوفان نزدیک شده و چیز زیادی نمانده است. اگر به دنبال چیزی هستی، روایات و متشابهات پیش روی شما است».

فقلت: اقترب الطوفان ولا ضمان أن لا نهلك معهم والعياذ بالله، فسلام لك ممن أحبك بروحه وقصر في جنب الله كثيراً.

3. بحار الأنوار: ج 24 ص 78.

4 - «حبر» کنایه از نخستین غاصب خلافت اهل بیت (علیهم السلام) است. (مترجم)

5 - قوله تعالى «والفجر» هو القائم و «الليالي العشر» الأئمة (عليهم السلام) من الحسن إلى الحسن و «الشفع» أمير المؤمنين و فاطمه (عليهما السلام)، و «الوتر» هو الله وحده لا شريك له «و اللیل إذا یسر» هي دولة حبر فهي تسري إلى قيام القائم (عليه السلام). بحار الأنوار: جلد 24 صفحه 78.

گفتم: طوفان نزدیک شده و هیچ تضمینی نیست که ما همراه آنها هلاک نشویم - پناه بر خدا؛ سلام بر شما از جانب کسی که شما را با دل و جان دوست می‌دارد و در کنار خدا بسی کوتاهی نموده است.

فقال (علیه السلام): (أسأل الله أن ينجيكم. للأسف أنهم يتبعون هؤلاء الفقهاء الضالين وسيوردونهم نار جهنم، فهم لأجل هؤلاء الفقهاء ولأجل الدنيا التي ستحترق عليهم يسبوني ويحاربوني ويخسرون الدنيا والآخرة.

ایشان (علیه السلام) فرمود: «از خداوند تقاضا دارم که شما را نجات دهد. متأسفانه آنها از فقهای گمراهی که سرانجام آنها را به آتش جهنم وارد می‌سازند، پیروی می‌کنند. آنها به خاطر این فقها و به خاطر دنیایی که بر سرشان آتشین خواهد شد، مرا ناسزا می‌گویند و با من می‌جنگند و در دنیا و آخرت زیان می‌بینند.

لو كانت نجاتهم وهدايتهم بإراقة دمي لما تأخرت اليوم قبل غد، والله إني حزين ومتألم لأجل عامة الناس المخدوعين، فأنا أرى أنّ الهلاك قد أظلمهم وهم يحسبون أنهم باقون في هذه الدنيا وهي باقية لهم).

اگر نجات و هدایت‌شان در ریخته شدن خون من بود، حتی یک روز هم تاخیر نمی‌کردم. به خدا سوگند من به حال این عامه‌ی مردم که فریب خورده‌اند، اندوهگین و درمندم. می‌بینم که هلاکت و نیستی بر آنها سایه افکنده و آنها گمان می‌کنند که در این دنیا تا ابد باقی خواهند ماند و دنیا نیز برای آنها پاینده است.»

